

جلو‌های زکات در عرصه حقوق اساسی

دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱۷
میشم نعمتی*

تأیید: ۱۴۰۱/۵/۲۵

چکیده

تحقق اهداف متعالی دین مبین اسلام به عنوان دینی جامع و خاتم ادیان، در گرو شناخت تشریحات و برخورداری از نگاه نظام‌مند به تعالیم شریف آن است. نظام حقوقی اسلام از سایر نظام‌های اعتقادی و شناختی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، تربیتی منفک نیست. زکات که مالیاتی اسلامی به شمار می‌رود، در عرصه‌های مختلف حقوق اساسی حضوری مؤثر دارد. این عنصر نظام مالی اسلام، آمیزه‌ای از سیاست‌گذاری‌های اعتقادی، اخلاقی، حقوقی، سیاسی و اقتصادی است. جریان یافتن صحیح زکات و سایر احکام اسلام، مستلزم دو امر است: یکی کشف و تبیین احکام، اهداف و برنامه‌های شریعت اسلامی و دیگری نگاه کلی به مجموعه احکام اسلام و حفظ پیوستگی آن‌ها و این دو مهم، بدون ابزار دقیق اجتهاد قابل دستیابی نیست. پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با شیوه توصیفی - تحلیلی، به تبیین چگونگی اثرگذاری زکات در زمینه‌هایی از حقوق اساسی می‌پردازد که در زمره وظایف حکومت اسلامی قرار دارد. به تصویر کشیدن جوانب مختلفی که در تشریح زکات لحاظ شده، گواهی بر عدم انفکاک نظام‌های مختلف در مکتب اسلام و هم‌افزایی آن‌هاست. بر اساس یافته‌های این پژوهش، نقش زکات در تقویت فرهنگ دینی، تقویت بنیان خانواده و روابط اجتماعی، اصلاح و تربیت مجرمین، تقویت جایگاه امامت، ساماندهی امور عمومی و فقرزدایی و ... مشهود است.

واژگان کلیدی

زکات، حقوق اساسی، نظام مالی اسلام، آثار زکات، منابع مالی اسلام

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری:

mnemati@ujsas.ac.ir

مقدمه

مسلمین زکات را «أخت الصلوة» (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۱۵، ص ۶) و آن را دارای اهداف مادی و معنوی بسیار و قبولی نماز را متوقف بر آن (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳، ص ۸، ۹، ۱۲ و ۱۳) می دانند. مقصود از نماز، ذکر علمی و مقصود از زکات، ذکر عملی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۷ و ۲۸؛ همو، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۷۷ و نور (۲۴): ۳۷). نماز رکن عبادات غیر مالی و رابطه میان خدا و خلق است و عبادت زکات رابطه‌ای است که میان خود مردم برقرار است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۵۴). اقامه نماز از روشن‌ترین مظاهر عبادت خدا و زکات‌دادن، قوی‌ترین ارکان جامعه دینی است (همان، ج ۹، ص ۲۱۱).

حکومت اسلامی به عنوان مجری شریعت الهی نسبت به ابعاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی مسلمین، دارای مسؤولیت است و بدین منظور باید احکام مذکور را در حقوق اساسی که تنظیم‌گر بنیادین حقوق در جامعه است، اشراک نماید. بیان آیه شریفه «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» (حج (۲۲): ۴۱)، تأکیدکننده وظیفه حکومت نسبت به اقامه نماز (نماد معنویت) و زکات واجب (نماد حاکمیت معنویت بر ابعاد مادی زندگی) است. در تشریح زکات، آثار متعددی قرار داده شده است. این آثار در صورتی ملموس خواهد بود که در کنار سایر احکام اسلامی به جریان درآید تا تأثیر و تأثر احکام الهی در کنار یکدیگر نتیجه‌ای واحد و مطلوب را ایجاد نماید. لذا زکات به عنوان یکی از نمادهای اسلام، همانند سایر احکام و دستورات شریعت اسلام، حکم اقتصادی یا عبادی صرف به شمار نمی آید.

آیه شریفه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ» (توبه (۹): ۱۰۳)، رسول گرامی اسلام ⁹ را که حاکم جامعه اسلامی است، مکلف به تطهیر و تزکیه مسلمین از طریق اخذ زکات واجب نموده که این امر بیان‌گر مسؤولیت حکومت اسلامی؛ هم در ابعاد اقتصادی و سیاسی و هم در زمینه عبادی، اخلاقی و فرهنگی

است. آثار زکات بر عرصه‌های حقوق اساسی را می‌توان در دو قالب (هر چند مرتبط) تقسیم نمود: یکی آثار فرهنگی و تربیتی زکات و دیگری، آثار سیاسی و اقتصادی آن. هر دو قسم، بر اساس بندهای مختلف اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمره مسائل حقوق اساسی به شمار می‌آیند.

پیشینه بحث

آیات و روایات به سیاست و مصارف زکات اشاره کرده و از این جهت، می‌توان این اندوخته قرآنی و روایی را به عنوان اولین آثار مربوط به پژوهش حاضر محسوب داشت. علاوه بر آن، در بیان بیات و بام‌افکن در «آثار اجتماعی زکات در تفاسیر فریقین» به طور مختصر به برخی آثار اقتصادی و امنیتی زکات اشاره شده لیکن پژوهشی که با روی‌کرد فقه حکومتی به بررسی آثار زکات نگریسته باشد، یافت نشد.

زکات در عرصه‌های فرهنگی و تربیتی

بند اول اصل سوم قانون اساسی در مقام بیان وظایف دولت جمهوری اسلامی به «ایجاد محیط مساعد اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا» و اصول نهم و دهم به ترتیب بر «استقلال و از جمله استقلال فرهنگی» و «تقویت نهاد خانواده» تصریح می‌نماید. مهم‌ترین فلسفه خلقت الهی و تشریح قوانین برای انسان، تربیت عبد: «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات (۵۱): ۵۶) و ترتیب آثار عبودیت بر آن است. اساس رسالت پیامبر اسلام ﷺ و بنیاد حکومت او برای هدایت انسانیت و رساندن او به کمال خویش؛ یعنی عبودیت است. زکات دستوری است گره‌خورده با زندگی عبادی مسلمین برای ایجاد جامعه متعبد که به اخلاقیات (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۸۷) به عنوان یکی از اهداف رسالت توجه ویژه دارد. وجود اسوه حسنه (احزاب (۳۳): ۲۱) در رأس حکومت اسلامی، زمینه ایجاد جامعه‌ای اخلاق‌محور را فراهم می‌نماید. قرآن، پرداخت زکات را ویژگی این اسوه می‌داند:

«رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ»
(نور (۲۴): ۳۷).

پرداختن به اقتصادیات همراه با یاد خدا، آرمان اسلام است. لذا برنامه‌های مالی و دستورهای اقتصادی حکومت دینی باید یاد خدا و هدف تزکیه و تربیت نفسانی را دنبال کند تا بتواند هویت اخلاقی و عبادی اسلام و اهداف اصیل آن را محقق نماید. تکاثر اموال، بدون کمال‌گرایی و مقارنت آن با استکبار و تفرعن اقتصادی با اساس تزکیه و تهذیب دارای تضاد است (حکیمی، حکیمی و حکیمی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۳۷۳). زکات در تعقیب این هدف متعالی نقشی مؤثر دارد. آیات و روایات مربوط به زکات، گویای تقدم بُعد اعتقادی و معنوی (فرهنگی) بر جنبه اقتصادی و از سویی، جدایی‌ناپذیری فرهنگ و اقتصاد در فقه حکومتی اسلام است.

تقویت مبانی دینی جامعه اسلامی

در فتاوا و نصوص، اموری؛ مانند حج، ساخت مسجد، مدرسه، کتابخانه، انجام تبلیغات اسلامی، برقراری مراسم دینی، اصلاح و آشتی بین مسلمین و... به عنوان مصارف زکات مطرح شده که به شکلی بنیان‌های دینی دوست‌داران اهل بیت : را مستحکم می‌سازند. امام رضا 7 یکی از حکمت‌های وجوب زکات را تقویت مبانی دینی معرفی نموده‌اند:

«ان علة الزکاة من اجل... الموعونة لهم علی امر الدین» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۸ و حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۱۳-۱۲)؛ دلیل پرداخت زکات این است که... ایشان را در کار دین نیرومند سازد.

البته باید توجه داشت که زکات موجب تقویت بنیه دین؛ هم نسبت به فقرا و هم نسبت به اغنیا است؛ چرا که در ادامه روایت چنین آمده است:

«و هم عظة لأهل الغنی و عبرة لهم لیستدلّوا علی فقر الآخرة بهم» (همان).

لذا زکات؛ هم موجب رفع فقر و کمک به دین‌داری فقرا و هم موجب موعظه و توجه اغنیا به آخرت خواهد گردید. از سویی، بهره‌مندی از آگاهی دینی و تحمل زحمات بدین خاطر، یکی از اولویت‌های اختصاص زکات به مستحقین معرفی شده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۵۰).

مبارزه با فرهنگ فسادآور مال‌اندوزی و تفرعن

یکی از مشکلات جامعه اسلامی، رواج فرهنگ اسراف و تجمل‌گرایی است که ریشه آن ثروت‌اندوزی و به‌وجودآمدن حالت غرور، استکبار و تفرعن است. در این حالت، غفلت از خدا و جامعه موجب می‌شود هزینه‌های بسیاری در راه‌های باطل و نامشروع (فساد) صورت گیرد و آمار جرم و گناه افزایش یابد. این فرهنگ فسادآور، ضربه مهلکی به جامعه وارد خواهد نمود. از مشکلات این فرهنگ، هزینه مال در راه فساد، بی‌توجهی به فقرا و مشکلات جامعه است. زکات، میزانی از دارایی است که باید جهت مصرف فقرا و رفع مشکلات اجتماعی پرداخت شود. پرداخت زکات، یاد فقرا و مشکلات جامعه را در ذهن ثروت‌مندان ترسیم و از فریفته‌شدن آنان به ثروت خود جلوگیری می‌نماید:

«و هم عظة لأهل الغنى و عبرة لهم» (همان، ص ۳۰۸).

در مقابل، نپرداختن زکات، به فرموده امام صادق ۷ موجب می‌شود هزینه‌هایی مضاعف در راه باطل (همان، ص ۳۱۱-۳۱۰) یا در موارد ناشایست (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۴۳) انجام گیرد و ضربه آن متوجه جامعه اسلامی گردد.

استحکام پیوندهای خانوادگی و اجتماعی

در علت تشریح زکات آمده است:

«مع ما فيه من ... صلة الارحام» (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۲)؛

علاوه بر آن‌چه که در زکات از صله ارحام هست.

این بیان، کنایه از اولویت پرداخت زکات به اقارب نیازمند و دل‌جویی از آنان است. صله رحم در اسلام دارای اهمیتی ویژه است؛ به گونه‌ای که «وسائل الشیعة» از گران‌سنگ‌ترین کتب فقه روایی شیعه، ۲۰ روایت در این موضوع را در ۳ باب مستقل ارائه کرده است (همان، ص ۵۳۳، ۵۳۸ و ۵۳۹). البته روایات، منحصر به این موارد نیست و به مناسبت‌های مختلف صله رحم مورد تأکید قرار گرفته است (همان، ج ۱۵، ص ۱۹۱). علاوه بر این، مطابق روایات (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۷)، از آثار

دیگر زکات، تحکیم پیوند اجتماعی بین برادران دینی است. این امر، آثار و برکات فردی و اجتماعی زیادی را در ابعاد گوناگون به همراه دارد که از آن جمله، تحکیم پیوندهای خانوادگی و حفظ آداب اسلامی در خانواده‌هاست. لذا نسبت به رسیدگی به حال ارحام تأکید شده است. روایات متعددی بر این امر دلالت دارند که در بین موارد مصرف زکات، اختصاص دادن زکات به ارحام غیر واجب‌النفقه و اولویت‌دادن به ایشان، دارای استحباب است (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۴۷-۲۴۵ و شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۷). از این رو، حکومت اسلامی با برنامه‌ریزی دقیق برای مصرف زکات می‌تواند پیوندهای خانوادگی و اجتماعی را استحکام بخشد.

تقویت روحیه صبر و مقاومت

امام رضا ۷ آمادگی نفسانی جامعه برای صبوری را از حکمت‌های وجوب زکات برشمردند:

«فی أنفسکم توطین الأنفس علی الصّبر» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۸).

در تفسیر آیه شریفه «لَتُبْلَوْنَ فِيْ أَمْوَالِكُمْ» (آل عمران (۳): ۱۸۶)، پرداخت زکات واجب، مصداق ابتلا دانسته شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۸ و شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۷). روایت دیگری، سخت‌ترین فریضه الهی را زکات دانسته که بسیاری از مردم به سبب آن هلاک می‌شوند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۲۲). برخورداری از روحیه مقاومت و صبوری در تحمل سختی‌ها، لازمه تحقق یک جامعه آرمانی در جهت تحقق بندگی خداست. اقدام حکومت اسلامی به اخذ زکات منجر به پرورش این روحیه در جامعه اسلامی و صبر در برابر ناملايمات گشته و آثار مثبت فراوانی برای جامعه اسلامی خواهد داشت.

اصلاح و تربیت مجرمین و پیشگیری از گناه

پرورش روحیه شکرگزاری از دیگر حکمت‌های وجوب زکات است: «مع ما فی ذلک من أداء شکر نعم الله عزّ و جلّ» (همان، ج ۹۳، ص ۱۸) که یاد نعمت‌های الهی را

در انسان زنده و موجب می‌شود خود را همواره مدیون الطاف او بداند. از این رو، پرداخت زکات از ایمان به خدا ناشی می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۰).
 مرزهای جامعه اسلامی، مرزهای ایمانی است و مؤمن از اتباع حکومت اسلامی محسوب می‌گردد. از جمله انگیزه‌ها و آثار مترتب بر پرداخت زکات، وعده‌های الهی مبنی بر تخفیف در محاسبه اعمال است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۹؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۴۶ و همو، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۸). برای مثال، یکی از محرمات، ثروت‌اندوزی و موجب عذاب الهی است:

«الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»
 (توبه (۹): ۳۴).

زکات، مؤمنین را از آثار کنز پاک می‌نماید (ابن عربی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۵۴۸). این وعده‌ها موجب می‌شود تا گنه‌کاران از مرزهای ایمان و حاکمیت الهی خارج نشوند. در همین راستا، تصدق و دادن زکات خود نوعی توبه شمرده شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۷۸). بدین ترتیب، زکات، راهی برای بازگرداندن عصیان‌گران به جامعه و امت اسلامی است. تعبیر «اصلاح و تربیت مجرمین» از وظایف حکومت‌ها و در حکومت اسلامی با ایجاد انگیزه‌های معنوی همراه است.
 قرآن کریم می‌فرماید:

«لَيْتِنُ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ ... لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ» (مائده (۵): ۱۲)؛

اگر نماز را بپا دارید و زکات واجب را بپردازید و... مسلماً گناهانتان را محو می‌کنم.

در آیه شریفه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ» (توبه (۹): ۱۰۳). تطهیر به معنای پیراستن از گناه و ناپاکی است (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۷، ص ۴۱۷۲؛ طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۷۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۲۸ و راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۲۶). از امام صادق ۷ روایت شده است:

«إِنِّي لَأَخَذُ مِنْ أَحَدِكُمُ الدَّرْهَمَ وَ إِنِّي لَمِنْ أَكْثَرِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَا لَا مَا أُرِيدُ بِذَلِكَ
 إِلَّا أَنْ تَطَهَّرُوا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۸)؛ همانا من از یکی از شما

درهم‌هایی را می‌گیرم؛ در حالی که از داراترین اهالی مدینه هستم، هدفم از این کار جز این نیست که شما تطهیر شوید.

7 امام هدف خویش را تطهیر معرفی می‌نماید. این تطهیر می‌تواند تطهیر اموال و یا تطهیر روح انسانی باشد. در روایت چنین تعبیر شده است:

«... فجعل الله ... و الزكاة تزكية للنفس...» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۹)؛ خداوند زکات را برای پاکیزه کردن جان‌ها (تزکیه و تهذیب نفوس) مقرر داشت (حکیمی، حکیمی و حکیمی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۳۷۲).

از این رو، تهذیب و پیراستن روح انسان از رذایل و آلودگی‌ها را می‌توان از مهم‌ترین اهداف زکات برشمرد که مأموریت حاکم جامعه اسلامی است. پیراستن آلودگی‌های روحی برای اعضای جامعه اسلامی نوعی تقدس به همراه می‌آورد که می‌تواند به رشد و تعالی انسانی در جامعه نبوی بیانجامد. بر اساس روایات، زکات‌دهنده در هر یک از آسمان‌های هفت‌گانه به نامی مقدس خوانده می‌شود؛ در آسمان اول به نام «سخی»، در آسمان دوم «جواد»، در آسمان سوم «معطی» و در آسمان‌های دیگر به ترتیب، «مبارک»، «محفوظ»، «منصور» و «مغفور» نامیده می‌شود (طباطبایی بروجردی، ۱۴۲۲ق، ج ۹، ص ۳۴). ثمره این تقدس، برخورداری از بیش‌ترین محبوبیت در نزد خداوند است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۸-۷).

پس از پرداخت زکات، دعای پیامبر ۹:

«... وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ» (توبه (۹): ۱۰۳) و آرامش روح و روان (سکن) است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۵۱۲).

زکات موجب شکستن و تضعیف قوای نفس، بیرون آمدن انسان از تاریکی‌های نفس و پاک شدن از خبائث گناهان و دعوت‌های شیطان می‌شود (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۷۰). تطهیر درجات بی‌شماری دارد. وقتی روح انسان پاک می‌شود، قوای روحی (قوه شهوت، قوه غضب و قوه ادراک) به اعتدال می‌رسد. اعتدال قوای روحی، موجب اعتدال رفتاری می‌شود و در این هنگام است که عدالت تحقق می‌یابد. اعتدال قوای روحی، قوای ملکوت را نیز به خدمت درمی‌آورد. تزکیه، مرحله بالاتری از تطهیر است.

تزکیه نیز درجات بی شماری دارد و موجب دست یابی به منزلت ابرار و مخلصین می شود (آلوسی بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۶، ص ۱۵). تزکیه موجب می شود قوای ملکوتی در اختیار انسان درآید. فرمان «صلِّ» یک فرمان تکوینی و موجب آفرینش سکینه در قلب است. سکینه، نوری است که در قلب مستقر و موجب تقویت یقین و ازبین رفتن اضطراب‌ها و هراس‌های انسان می شود. کسانی که زکات نمی پردازند، از انواع اضطراب‌ها رها نمی شوند (ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۷۰). با این توضیحات، جایگاه زکات در مصونیت بخشی به جامعه و مسؤولیت حکومت اسلامی در اقامه آن، بیش تر درک می شود.

احیای فرهنگ نوع دوستی و اهتمام به امور اجتماعی

نماز در آیات، مانند: «أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (آل عمران(۳): ۱۸۰) و روایات (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۹)، قرین زکات قرار گرفته است. هم چنین قبولی تمام اعمال وابسته به قبولی نماز است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۶۸؛ طوسی، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۲۳۹ و نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۱۱) و قبولی نماز وابسته به پرداخت زکات می باشد. از امام رضا ۷ نقل شده که در ضمن حدیثی فرمودند:

«... امر بالصلاة و الزكاة فمن صلى و لم یزک لم تقبل منه صلاته...» (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۵).

در روایت دیگری، چنین آمده است:

«و لا تقبل له صلاة» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۲).

روایات بسیاری در این مورد وجود دارد (شیخ صدوق، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۱۳) و «فان یخل بزکاته و لم یؤدها امر بالصلاة فردت الیه...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص ۱۸۸ و ج ۹۳، ص ۲۹). شاید این مقارنه و توقف قبولی نماز بر زکات، پیام آور اهمیت جنبه های اجتماعی عبودیت است. لذا زکات به این نکته توجه می دهد که از اعظم عبادت، توجه به نیازهای بندگان خداست. از این رو، مانعین و تارکین زکات از دایره اسلام خارج دانسته شده اند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۲)؛ چرا که یکی از بزرگ ترین دستورات الهی را عصیان کرده اند. در روایات متعدد، کسانی که در جامعه

نسبت به نیازها و مشکلات دیگران بی‌اعتنا هستند، مورد عتاب و از دایره اسلام خارج
شمرده شده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۵-۱۶۳).

یکی از وظایفی که حکومت اسلامی می‌تواند از زکات در ایفای آن بهره فراوانی
بگیرد، ترویج روحیه نوع‌دوستی و اهتمام به مشکلات اجتماع است که از سفارشات
امیرالمؤمنین ۷ نیز بوده است (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

ترویج ارزش‌های اخلاقی

از امام صادق ۷ از پدرانش از رسول خدا ۹ چنین نقل شده که آن حضرت
فرمود:

«أَسْخَى النَّاسِ مِنْ أَدَى زَكَاةِ مَالِهِ وَأَبْخَلَ النَّاسِ مِنْ بَخْلِ بَمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ»

(طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۴)؛ سخنی‌ترین مردم کسی است که زکات مالش را

بپردازد و بخیل‌ترین مردم کسی است که از ادای واجبات الهی بخل ورزد.

احادیث دیگری نیز این مضمون را تأیید می‌نمایند:

«وَمَنْ أَدَى زَكَاةَ مَالِهِ فَقَدْ ذَهَبَ عَنْهُ شَرُّهُ» (همان، ص ۲۷)؛ تأدیه زکات

موجب از بین رفتن حرص پرداخت‌کننده می‌گردد.

«شَرُّهُ» به معنای حرص است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۹۲). در برخی

روایات، الفاظی به کار گرفته شده که مشتمل بر هر دو معنای حرص و بخل توأمان

است:

«إِنَّمَا الشَّحِيحُ مَنْ مَنَعَ حَقَّ اللَّهِ وَانْفَقَ فِي غَيْرِ حَقِّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (مجلسی،

۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۶).

«شحیح» به معنای بخیل‌حریص است (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۳۷۸). صفت

بخل و حرص چنان مذموم و برای حاکم و حکومت آسیب‌زا است که حاکمان اسلامی

نباید از بخیلان باشند:

«وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الْوَالِي ... الْبَخِيلَ» (نهج‌البلاغه،

خطبه ۱۳۱).

و نه تنها حاکمان:

«و لاتدخلن فی مشورتک بخيلا يعدل بک عن الفضل و يعدک الفقر» (همان، نامه ۵۳).

بلکه مردم عادی: «و إِيَّاكَ و مصادقة البخيل فإنه يقعد عنك أحوج ما تكون إليه» (همان، حکمت ۳۷) نیز از مشاوره با بخیلان منع شده‌اند. پرداخت زکات با در نظر گرفتن مستحقین آن، موجب احیای صفات رحمانی در قلب انسان می‌گردد:

«مع ما فيه من الرّحمة و الرّأفة لأهل الضّعف و العطف على أهل المسكنة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۸).

مضافاً به رأفت و رحمتی که از این رهگذر شامل حال ضعفا می‌شود و عطف و تفقّدی که به اهل مسکنت می‌پیوندند (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۷). مواسات از ارزش‌های بسیار مهم اخلاقی است که بشر همواره در تلاش برای تحقق آن در بین افراد جامعه بوده است. زکات از طریق برقرار کردن مواسات در اموال بین برادران دینی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۹)، می‌تواند در تحقق این آرمان بسیار مؤثر باشد: «مع ما فی ذلك من ... و الحثّ لهم على المواساة» (همان، ص ۱۸).

به علاوه آنچه در زکات از تحریض و تشویق اغنیا به مواسات وجود دارد (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۷).

امیدواری در امور، از برترین ارزش‌های اخلاقی است. بر اساس وعده‌های متعدد الهی مبنی بر ایجاد برکت در مال مزکّی، فرد نه تنها با پرداخت زکات احساس تنقیص نمی‌نماید، بلکه به فزونی یافتن مال خویش نیز امید یافته و از سعی بیش‌تر روی‌گردان نخواهد شد:

«مع ما فی ذلك من ... و الطّمع فی الزیادة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۸).

اضافه بر این، پرداختن زکات ... به عنوان امیدبستن به آن فزونی‌ای است که در اثر شکر در مال پدید می‌آید (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۷).

صداقت ارزشی متعالی است، کسی که اقدام به پرداخت زکات می‌نماید، به تقویت این صفت اقدام نموده و از نفاق و دورویی در ادعای دین‌داری پیراسته می‌شود. شاید به همین خاطر، امیرالمؤمنین ^۷ پس از نهی از اخفای زکات از امام، این عمل را مصداق نفاق دانسته‌اند:

عن علی ^۷ أنه نهی أن یخفی المرء زکاته عن إمامه و قال: «إن إخفاء ذلک من النفاق» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۲۸).

از حضرت امام صادق ^۷ نقل شده است که سارقان را سه گروه دانسته و اولین آن‌ها را مانعین زکات برشمرده است:

«السراق ثلاثة: مانع الزکاة، و مستحل مهوور النساء، و کذلک من استدان ولم ینو قضاءه» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۲۶۸ و طوسی، ۱۴۲۶ق، ج ۱۰، ص ۱۵۳).

اموال، امانت الهی در نزد بندگان است و قسمی از اموال بنا به دستور الهی باید به دیگران واگذار شود. لذا امتناع از ردّ این امانت، خیانت تلقی می‌گردد و گویا اموال دیگران را سرقت نموده است. ردّ امانت مذکور مطابق فرمان الهی، موجب تقویت روحیه امانت‌داری در جامعه اسلامی می‌گردد. این صفت از مهم‌ترین لوازم در اداره جامعه است که وجود آن در فرمان‌روا و فرمان‌بر ضروری است. حکومت اسلامی برای ساختن جامعه نیازمند ترویج این ارزش‌های اخلاقی است.

زکات در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی

قانون اساسی علاوه بر مقدمه، در فصل چهارم (اصول ۴۳ تا ۵۵) قواعد حاکم بر اقتصاد اسلامی را مورد توجه قرار داده و هم‌چنین اصل دوم بر رفع فقر و در درجه بعد، ایجاد رفاه به عنوان سیاست اقتصاد اسلامی تأکید نموده است. استقلال اقتصادی نیز از مواردی است که در اصل نهم به آن تصریح شده است. در اهمیت اقتصاد از منظر اسلام، همین بس که تنها در قرآن بیش از ۴۵۰ آیه به این موضوع اختصاص یافته و صدها حدیث از پیامبر اکرم ^۹ و ائمه معصومین : در این باره روایت شده است

(بیگی و هم‌کار، ۱۳۹۳، ص ۱). بیش‌ترین حجم کتب فقهی؛ مانند کتاب البیع، کتاب التجاره، کتاب الرهن، کتاب الوکاله، کتاب الهبه، کتاب الوقف، کتاب الارث، کتاب الخمس، کتاب الزکاه و... راجع به مسائل اقتصادی است. توجه شارع مقدس نسبت به این جایگاه به اندازه‌ای است که می‌توان نتیجه گرفت تحقق اهداف متعالی اسلام بدون توجه به مسائل اقتصادی امکان‌پذیر نیست. زکات به عنوان یک اصل اجتماعی، در میان قوانین اجتماعی اسلام، نقشی تعیین‌کننده را در پیش‌برد اهداف اسلام؛ به خصوص در برنامه اقتصادی ایفا می‌کند. وظیفه حاکمیت علاوه بر هدایت و تربیت، برنامه‌ریزی برای مسائل اقتصادی جامعه اسلامی نیز هست. توجه به زکات به عنوان یکی از واجبات اجتماعی اسلام که اهداف اقتصادی را دنبال می‌کند، می‌تواند جایگاه زکات را در برنامه‌ریزی اداره امور اجتماعی ارتقا بخشد. در ادامه، به برخی از آثار زکات که می‌توان آن را بخشی از فلسفه تشریح زکات برشمرد، اشاره می‌گردد.

توجه به جایگاه امامت

روایات در باب زکات، بیان‌گر اختیار امام 7 در مسأله وضع، اخذ و مصرف زکات است. این امر، نشان از جایگاه ویژه امامت در جامعه اسلامی دارد. در این روایات تأکید شده است که امام 7 زکات را جهت مصلحت مؤدیان از آنان می‌گیرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۸) و از سویی، آن را جزو وظایفی می‌شمارد که تا انجام نشود، امام حتی به خواب نمی‌رود (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۴) که این نشان از اهتمام زیاد امام 7 نسبت به امر زکات است. علت پرداخت زکات برای تألیف قلوب نیز تبعیت از امام بیان شده است (همان، ص ۵). به عبارتی، زکات موجب اطاعت از امام و تقویت جایگاه او در جامعه است. امام است که تصمیم‌گیری نهایی را در مورد میزان و کیفیت پرداخت زکات به هر یک از اصناف هشت‌گانه مستحقین به عهده دارد. لذا جامعه اسلامی موظف است با پرداخت زکات و پذیرش سیاست‌گذاری امام در زکات و سایر امور مالی، علاوه بر ایجاد موجبات رشد مادی و معنوی خود، جایگاه امام را تقویت و از او حمایت نماید. همین اهمیت، موجب می‌شود تا رسول خدا 9

تعدادی را از مسجد که پایگاه اعتقادی و سیاسی مسلمین به شمار می‌رود، بیرون کند. چنان که امام 7 می‌فرماید:

«بینا رسول الله صلی الله علیه وآله فی المسجد اذ قال قم یا فلان قم یا فلان قم یا فلان حتی اخرج خمسة نفر فقال اخرجوا من مسجدنا لاتصلوا فیه و انتم لا تزکون» (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۴ و شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۱۲): روزی در مسجد، پیامبر اکرم 9 فرمود: بلند شو ای فلانی، بلند شو ای فلانی و تا پنج نفر را از بین جماعت بیرون آورد. سپس فرمود: از مسجد ما خارج شوید و تا وقتی زکات نمی‌پردازید، در آن نماز نخوانید. می‌توان استنباط نمود که مانعین زکات در پایگاه‌های سیاسی و اعتقادی مسلمین جایگاهی ندارند.

تطهیر اموال

امام صادق 7 یکی از حکمت‌های اخذ زکات از مردم را با وجود این که خودشان از ثروت‌مندترین افراد مدینه هستند، تطهیر ایشان بیان می‌دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۸). اطلاق تطهیر، شامل تطهیر اموال مردم نیز می‌گردد. از نظر اسلام، اموال طیب، ثمرات طیب خواهند داشت و اموال خبیث و ناپاک، ثمراتی خبیث به بار خواهند آورد:

«وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبِثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا...» (اعراف (۷): ۵۸).

وجود اموال ناپاک در زندگی مردم، آثار سوء خود را به جامعه تحمیل خواهد نمود. از این رو، یکی از تدابیر اسلام و حاکمان اسلامی برای تأمین سعادت جامعه اسلامی، دورداشتن مردم از مصرف اموال آلوده است. قرآن ربانیون و احبار را مورد نکوهش قرار می‌دهد که چرا ستم‌کاران را از اکل سحت؛ یعنی حرام‌خواری نهی نکرده‌اند (مائده (۵): ۶۳). این نکوهش و تقبیح اختصاص به علمای یهود و نصاری ندارد، بلکه علمای جامعه اسلامی و به طور کلی علمای دینی را شامل می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۲).

فقرزدایی

فقر از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی است. پیامبر اکرم ﷺ فقر را نزدیک به کفر می‌داند.

«کاد الفقر أن یكون کفراً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۰۷).

در جامعه همراه با فقر، تنها فقرا متضرر نخواهند شد، بلکه تمامی اجتماع گرفتار مضرات فقر خواهند گردید. زیرا فقر، عامل بسیاری از گناهان؛ مانند سرقت و فحشا است که دامن جامعه را خواهد آلود و بدان خسارت وارد خواهد نمود. بسیاری از محققین، فقر و انگیزه‌های اقتصادی را به طور کلی یا ضمنی، منشأ جرائم دانسته‌اند. دانشگاه هاروارد در تحقیقی، ۲۰۰ مورد از جنحه را مورد بررسی قرار داد و بدین نتیجه رسید که ۷۵ درصد از خانواده‌های بزه‌کاران در سطح پایین اقتصادی قرار دارند. هم‌چنین نتایج تحقیقی در ایتالیا نشان داد که ۸۵ تا ۹۰ درصد از خانواده‌های مجرمین فقیر هستند (زاهد، ۱۹۹۹م، ص ۱۷۶-۱۷۵).

امیرالمؤمنین ۷ پس از شکل‌گیری حکومت خویش، اقتصاد را قوام و عمود زندگی دین و دنیا معرفی کردند و یکی از حقوق مردم بر دولت و امام را «توفیر فیء»؛ یعنی تکثیر و فراوان‌ساختن سرمایه و ثروت‌های عمومی دانستند (نهج البلاغه، خطبه ۳۴). علاوه بر افزایش ثروت عمومی که مصرف زکات در قالب «فی سبیل الله» می‌تواند به آن کمک کند، روایات تأکید دارند که عمده هدف تشریح زکات، رفع فقر است و وظیفه ولی امر در جامعه اسلامی، بی‌نیازکردن هر فرد و رعایت عدالت در اعطای حق ایشان است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۳-۵۴۱). به عبارتی، وظیفه ولی امر، با استفاده از ابزارهایی مانند زکات که در اختیار دارد، برقراری عدالت اجتماعی از نظر دارایی و مالکیت فردی و عمومی است.

عدالت اجتماعی، توازن افراد جامعه در برخورداری از سطح معیشت است، نه یک‌سان‌بودن درآمد. توازن در سطح معیشت به معنای این است که افراد جامعه به میزانی از دارایی برخوردار باشند که هر فرد بتواند زندگی متوسطی را دارا باشد (صدر، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۷۰۸).

در جهت توازن از نظر دارایی شخصی، قرآن کریم (انعام(۶): ۱۴۱ و توبه(۹): ۱۰۳) و ائمه معصومین : با دستور به پرداخت زکات (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۸ و ص ۲۸؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۰۶؛ شعیری، بی تا، ص ۸۰؛ مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۱۸۳ و مازندرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۳، ص ۵۲۱) اعطای آن را تا رسیدن فقرا به سطح متوسط زندگی مردم و استغنا، لازم و کفایت زکات را برای تحقق این مقصود، یقینی دانسته و تأکید نموده‌اند که اگر زکات وضع شده برای تحقق این هدف کافی نبود، خداوند آن را افزایش می‌داد:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسْعَهُمْ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا

يَسْعُهُمْ لَزَادَهُمْ» (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۱۰).

روایات با این مضمون، بسیارند و برخی از آن‌ها سبب فقیرماندن مردم را گناه ثروت‌مندان (ترک واجبات مالی) و نه عدم کفایت زکات دانسته است (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۱۰-۱۳ و شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷). زکات بیش‌تر برای افراد با درآمد و دارایی زیاد، هدف‌گذاری شده و دارای قدرت زیادی برای بازی در نقش بازتوزیعی ثروت در جامعه است (ASHRAF TOOR and ABUNASAR, 2004, p.91). برخی، زکات را مالیات و توانایی جامعه برای درمان فقر دانسته‌اند (فراهانی‌فرد، ۱۳۸۷، ص ۷۱-۷۲).

تأمین منابع مالی حکومت اسلامی

در هر جامعه مشکلاتی وجود دارد که رسیدگی به آن از شئون حکومت است. از جمله این موارد، رسیدگی به اقشار محروم و اقدام در جهت امور عام‌المنفعه است. موارد مصرف زکات که در قرآن بیان شده است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْأَعْمَلِينَ عَلَيْهِا وَ الْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه(۹): ۶۰)، مشتمل بر فقرا، مساکین، درراه‌ماندگان، بردگان، اشخاص مدیون از اقشار محروم محسوب می‌شوند و علاوه بر آن، عموم جامعه از رسیدگی به این اقشار منتفع می‌شوند. چرا که با رسیدگی به ایشان،

میزان فقر، جرم و انگیزه‌های مجرمانه، تکدی‌گری و ... کاهش می‌یابد و جامعه از سطح رفاه عمومی بیش‌تری برخوردار خواهد شد. تألیف قلوب غیر مسلمانان نسبت به مسلمین در مواردی برای جامعه لازم است و موارد مصرف فی سبیل الله نیز غالباً منفعت عمومی را دربردارد. عاملین زکات نیز که مأمورین حکومت هستند، اگر تأمین نشوند، یا کارهای عمومی بر زمین می‌ماند و یا زمینه فساد ایشان مهیا می‌گردد. لذا می‌توان دریافت موارد مصرف زکات، جنبه نیاز عمومی و شأن حکومتی دارند. رفع این نیازها، جز با منابع مالی ممکن نیست. شارع مقدس با تشریح زکات، منبع مالی برای این‌گونه هزینه‌ها را فراهم نموده است.

ساماندهی امور عمومی

از این منظر که اختیار وضع زکات در دست حکومت است، دو دیدگاه را به عنوان معیار برای وضع زکات ذکر نموده‌اند: یکی نظریه منفعت (تعاهد بین دولت و شهروندان) و دیگری، نظریه حاکمیت و سیادت دولت. در هر دو نظریه، لزوم ساماندهی امور اجتماعی و خدمات عمومی مورد توجه است (عنایه، ۱۴۱۵ق، ص ۵۷-۵۱). امام باقر ۷ در پاسخ به سؤال از درهم و دینار، چنین تعبیر می‌فرمایند:

«هی خواتیم الله فی أرضه ... بها یستقیم شئونهم و مطالبهم ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۵، ش ۳۰).

«خواتیم الله» به معنای مهر و نشان‌هایی است که موجب صیانت امور الهی از تعرض دیگران می‌شود (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۱۸۹).

«بها یستقیم» (فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۲۰)، «شئونهم و مطالبهم»؛ یعنی احوال و امور مردم به وسیله آن قوام و استقرار می‌یابد و حوایج مردم به وسیله آن رفع می‌گردد. در ادامه، وجوب زکات بر درهم و دینار را متفرع بر این اوصاف ساخته و می‌فرماید:

«فَمَنْ أَكْثَرَ لَهُ مِنْهَا فَقَامَ بِحَقِّ اللَّهِ فِيهَا وَأَدَّى زَكَاتَهَا فَذَكَ الَّذِي طَابَتْ وَ خَلَصَتْ لَهُ وَ مَنْ أَكْثَرَ لَهُ مِنْهَا فَبَخِلَ بِهَا وَ لَمْ يُؤَدِّ حَقَّ اللَّهِ فِيهَا وَ اتَّخَذَ مِنْهَا الْأَنْبِيَةَ فَذَكَ الَّذِي حَقَّ عَلَيْهِ وَعَيْدُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ

يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ»؛ پس کسی که میزان زیادی از درهم و دینار را در اختیار دارد و نسبت به حق الله در آن اقدام نماید و زکاتش را بپردازد، او کسی است که درهم و دینار برای او پاکیزه و خالص شده و کسی که میزان زیادی از درهم و دینار را در اختیار دارد و نسبت به آن بخل بورزد و حق الله را در آن ادا ننماید و ظروفی از آن جنس اختیار نماید، او کسی است که وعید خداوند عزوجل در کتابش «يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (توبه (۹): ۳۵) در مورد او ثابت است.

درهم و دیناری که در مسیر زکات هزینه می‌شود، مصداق تام خواتیم یا مهر و نشان‌هایی است که موجب صیانت امور الهی می‌شود. زیرا چنان که امام 7 می‌فرمایند، درهم و دینار زکات، موجب استقامت شوون و رفع حواجی است. وقتی درهم و دینار در قالب زکات در اختیار فقرا قرار گیرد، امور زندگی آنان سامان می‌گیرد. وقتی زکات در قالب «فی سبیل الله»، غارمین و سایر اقشار مستحق هزینه می‌شود، منجر به ساماندهی امور عمومی جامعه می‌گردد. اقداماتی به وسیله آن انجام می‌پذیرد که شایسته عنوان «معروف» است. از این رو، انجام معروف، یکی از حکمت‌های زکات شمرده شده است:

«مع ما فيه من ... اصطناع المعروف» (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۱۲-۱۳).

معروف یا اموری که برای عموم جامعه منفعت دارد، در قالب عناوین متعددی محقق می‌شوند. در ادامه، دو مورد از این امور که دارای آثار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مهمی هستند، ذکر می‌شود.

سلامت عمومی

امام باقر 7 در مورد درهم و دینار فرموده‌اند:

«هی خواتیم الله فی أرضه جعلها الله مصحّة لخلقه ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۵).

یعنی خداوند آن‌ها را موجب سلامتی و رفع بیماری مردم قرار داده است. درهم و دینار، از اموال متعلق زکات است. همان ویژگی که برای تمامی مردم در آن قرار داده شده است، از طریق زکات شامل افراد بیمار و گرفتار که رفع مشکل ایشان به درهم و دینار وابسته است، می‌گردد. از این رو، امام رضا 7 در روایتی، ضمن بیان علت تشریح زکات می‌فرماید:

«لأنَّ الله تبارک و تعالی کلف أهل الصَّحَّة التَّقیام بشأن أهل الزَّمانَة و البلوی»
(همان، ص ۱۸)؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی تندرستان را به رسیدگی به حال دردمندان و مبتلایان مکلف ساخته است.

زمانت، به فتح اول، در لغت به معنای بیماری‌های با واگیر، یا نقص عضو، یا از کار افتادن نیروهای بدن است.

امنیت امت اسلامی

عواملی که موجودیت یک ملت را به خطر بیندازد، به اندازه‌ای مهم است که در نظام‌های امروزی، نهادهای عالی (مانند شورای عالی امنیت ملی) عهده‌دار بررسی وضعیت آن هستند. یکی از این عوامل تهدیدکننده، هجمه نظامی است. نظام اسلامی باید در برابر حمله دشمنان از آمادگی دفاعی مناسب برخوردار باشد. از این رو، یکی از مصارف زکات، جهاد است. برخی، تنها مصداق «فی سبیل الله» را جهاد دانسته‌اند. امنیت برون‌مرزی، تنها بُعد امنیت یک جامعه نیست. ایجاد تفرقه، بدبینی و کینه‌توزی اقوام، مذاهب و ادیان، یکی از روش‌هایی است که دشمنان به وسیله آن، نظام اسلامی را تهدید می‌نمایند. مصرف زکات برای تألیف قلوب، می‌تواند دفع‌کننده این تهدید باشد. از سوی دیگر، علاوه بر ایجاد الفت بین اقوام، مذاهب و ادیان، اقدام به پرداخت زکات با ایجاد روحیه مهربانی و مودت را در بین افرادی از یک قوم و یک مذهب، افزایش هم‌بستگی ملی و تقویت امنیت اجتماعی به دنبال خواهد داشت:

«مع ما فیہ من الرَّحمة و الرَّأفة لأهل الضَّعف و العطف علی أهل المسکنة»
(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۸).

یکی از آثار اجتماعی زکات، دفع انواع بلاها و خطرات از امت است و عدم توجه به این واجب الهی، اگر فراگیر شود، موجب هلاک امت خواهد بود. امام صادق 7 می‌فرماید:

«ان الله ليدفع لمن يزكي من شيعتنا عن لاي زكي ولو اجمعوا على ترك الزكاة لهلكوا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۵۱)؛ همانا خداوند به خاطر کسانی از شیعیان ما که زکات می‌دهند، انواع بلاها و خطرات را از سایرین دفع می‌کند و اگر همه پرداخت زکات را ترک می‌کردند، نابود می‌شدند.

جلوگیری از بلایای مالی و اقتصادی

پرداخت زکات موجب برکت و ازدیاد رزق می‌شود و در مقابل، یکی از دلایل نقصان و ازبین‌رفتن اموال به واسطه حوادث طبیعی و غیر آن، عدم پرداخت زکات دانسته شده است. امام صادق 7 می‌فرماید:

«ما ضاع مال في بر ولا بحر الا بتضييع الزكاة» (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۸)؛ هیچ مالی در خشکی و در دریا ضایع و تلف نمی‌شود، مگر به خاطر آن‌که زکات آن تضييع شده باشد.

روایت دیگری نیز به این مضمون وجود دارد که امام 7 نسبت به این مسأله قسم یاد می‌نماید (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۸-۷ و همو، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۰۶). تلف شدن مال بدون زکات در بقاع منتقمه (مکان‌های انتقام الهی) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۱-۱۲)، بی‌برکت شدن مزارع، باغات و معادن در اثر ترک زکات (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۵ و حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۶)، ازبین‌رفتن دامداری (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۳-۱۴)، گرفتاری در احوال فقرا و اغنیا (همان، ص ۱۶) و قحطی و خشک‌سالی (حرّ عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵، ص ۲۵۴) از جمله آثار مخرب اقتصادی است که با پرداخت زکات می‌توان مانع تحقق آن شد.

علاوه بر این آثار اقتصادی، ترک زکات موجب برخی از مفاسد اقتصادی مانند سرقت و ربا می‌شود. امام صادق 7 پرداخت نکردن زکات را در زمره سرقت محسوب

داشته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۲). از سویی، ازدیاد سرمایه، زمینه‌ساز فساد است و فقر هم ممکن است زمینه مفاسد اجتماعی؛ مثل وقوع سرقت، دریافت رشوه، خیانت و امثال آن را فراهم آورد. از این رو، تارک زکات را به رباخوار تشبیه نموده‌اند (همان، ص ۲۹). زکات، از راه‌های تعدیل‌کننده ثروت و از بین‌برنده بسیاری از مفاسد می‌باشد.

از آن‌جا که حاکم اسلامی باید به مصالح مسلمین توجه ویژه داشته باشد و در چارچوب آن عمل نماید، مبارزه با فقر و تعالی‌بخشیدن به سطح زندگی مردم را باید از رئوس برنامه‌های حکومتی خویش قرار دهد.

ادای دیون بدهکاران ناتوان

در هر جامعه، معمولاً اشخاصی بر اثر عوامل گوناگون، گاه به صورت ناخواسته با مشکل بدهی مواجه و از عرصه اجتماع رانده می‌شوند. بسیاری از افراد، گناه‌کار یا کلاه‌بردار و مفسد نیستند. بلکه بر اثر سوء تدبیر یا قصور بدون سوء نیت با این مشکل مواجه شده‌اند. ممکن است بسیاری از این بدهکاران جزو فعالان در عرصه‌های گوناگون کشاورزی و صنعت باشند که در اثر اختلال در کار آنان، قسمت‌های دیگری از جامعه نیز به معضلاتی مبتلا شود. لذا این گروه، یا باید به حال خود رها شوند و در اثر بدهی؛ هم خودشان و هم دیگران به مشکلات بعدی دچار گردند و یا به آنان کمک شود تا از این مشکل رهایی یابند. راه عاقلانه و انسان‌دوستانه، کمک به ایشان است. اسلام، غارمین یا بدهکاران را یکی از گروه‌های مستحق زکات محسوب نموده تا بدین ترتیب مشکل ایشان برطرف گردد و پرداخت دیون قرض‌مندان از اهداف و آثار وضع زکات محسوب می‌شود:

«إِنَّ الصَّدَقَةَ تَقْضِي السَّيِّئِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۹ و حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۳۶۷).

در نظام اسلامی، ولی امر موظف است به مشکلات این گروه از افراد رسیدگی نماید.

افزایش اموال و دارایی‌ها

در روایاتی از رسول خدا ﷺ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۱)، امیرالمؤمنین ۷ (همان، ص ۱۳) و سایر ائمه : (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۸، ۲۰ و ۲۸؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۸ و همو ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۰۲ و ۳۰۶)، پرداخت زکات، علاوه بر حفظ، موجب افزایش اموال و دارایی اغنیا معرفی شده و از مردم خواسته شده تا از این طریق، اموال خود را افزایش دهند:

«إذا أردت أن يثري الله مالك فزكّه...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۲۳).

روایات متعددی بر این مضمون دلالت دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۸ و طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۹) که گاه از تعبیر افزایش رزق استفاده کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۴). افزون بر این، پرداخت زکات، موجب امید به فزونی‌ای است که در اثر شکر در مال پدید می‌آید:

«مع ما فی ذلک من ... و الطّمع فی الزیادة» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۱۸

و شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۷).

اعتقاد به افزایش مال، علی‌رغم کاهش ظاهری آن، در فرهنگ اسلامی با مفهوم برکت مرتبط است. به تعبیری، می‌توان پرداخت زکات را از اسباب برکت مال دانست.

نتیجه‌گیری

زکات آثار متنوعی را در عرصه حقوق اساسی داراست. در زمینه عبادی، فرهنگی و اخلاقی، زکات به دنبال تقویت مبانی دینی، مبارزه با فرهنگ مال‌اندوزی و تفرعن، استحکام پیوندهای اجتماعی و خانوادگی، تقویت روحیه صبر و استقامت، اصلاح تربیت مجرمین و پیش‌گیری از گناه، احیای فرهنگ نوع‌دوستی و اهتمام به امور اجتماعی و ترویج ارزش‌های اخلاقی است. علاوه بر این، در زمینه سیاسی و اقتصادی، زکات در پی توجه به جایگاه امام در جامعه، تطهیر اموال در گردش در جامعه، فقرزدایی، تأمین مالی حکومت اسلامی، ساماندهی امور عمومی مرتبط با سلامت و امنیت، ممانعت از بلایای اقتصادی، ادای دیون بدهکاران و افزایش اموال و دارایی‌هاست.

وضعیت درهم‌تنیدگی احکام عبادی با مسائل سیاسی و اجتماعی در اسلام، گویای آن است که نظامات عبادی و اجتماعی اسلام قابل انفکاک نیست و پذیرش اسلام با اهتمام به نظام اجتماعی مسلمین ملازم است. چنان‌که روایت «من أصبح و لم يهتم بأمر المسلمین فليس بمسلم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۴)، تأکید و تأییدی بر این مهم است. از این رو، برنامه‌ریزی برای جامعه اسلامی بدون توجه به مسائل فرهنگی، عقیدتی و اخلاقی، ترسیم شکلی ناموزون از اسلام و تحریف واقعیتی است که پیامبران الهی و امامان به دنبال تبیین و عملی نمودن آن بوده و به یقین، امام عصر ما نیز در صدد تحقق آن هستند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آلوسی بغدادی، شهاب‌الدین محمود شکری، روح المعانی، ج ۶، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن عربی، محی‌الدین محمد بن علی بن محمد، الفتوحات المکیة، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۵. ابن عربی، محی‌الدین محمد بن علی بن محمد، تفسیر ابن عربی، ج ۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقانیس اللغة، ج ۳، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
۷. امام خمینی، سیدروح‌الله، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶.
۸. بیگی، جمال و هم‌کار، تحریم ربا در آموزه‌های اسلامی با نگرشی اجمالی بر بینش فقهی امام خمینی؛؛ شاخصه توسعه اقتصادی تمدن اسلامی؛ اولین کنفرانس ملی اقتصاد، مدیریت و فرهنگ ایرانی - اسلامی، اردبیل: مؤسسه پیشگامان فرهیختگان فرهنگ و اندیشه ولی‌عصر و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل، ۱۳۹۳.



٩. جوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ج ١، بيروت: دار العلم للملايين، ١٣٧٦ق.
١٠. حرّ عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، تحقيق عبدالرحيم ربانى شيرازى، ج ٩، ١٥ و ٢١، بيروت: دار الاحياء لثراث العربى، ج ٧، ١٤١٢ق.
١١. حكيمى، محمدرضا، حكيمى، على و حكيمى، محمد، الحياة، ترجمه احمد آرام، ج ٦، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامى، ١٣٦٨.
١٢. حميرى، نشوان بن سعيد، شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم، ج ٧، بيروت: دار الفكر المعاصر، ١٤٢٠ق.
١٣. راغب اصفهانى، ابوالقاسم حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، لبنان - سوريا، بيروت - دمشق: دارالعلم - الدار الشامية، ١٤١٢ق.
١٤. زاهد، عبدالامير، دراسات فى الفكر الاقتصادى الاسلامى، بيروت: مطبعة الغدير، ١٩٩٩م.
١٥. شعيرى، محمد بن محمد، جامع الأخبار، نجف اشرف: مطبعة حيدرية، بى تا.
١٦. شيخ صدوق، محمد بن على، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشريف الرضى للنشر، ج ٢، ١٤٠٦ق.
١٧. شيخ صدوق، محمد بن على، من لا يحضره الفقيه، ترجمه على اكبر غفارى و هم كار، ج ٢، تهران: نشر صدوق، ١٤٠٩ق.
١٨. شيخ صدوق، محمد بن على، من لا يحضره الفقيه، ج ٢، قم: دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم: ج ٢، ١٤١٣ق.
١٩. صاحب بن عباد، اسماعيل بن عباد، المحيط فى اللغة، تصحيح محمدحسن آل ياسين، ج ٣، بيروت: عالم الكتاب، ١٤١٤ق.
٢٠. صدر، سيدمحمدباقر، اقتصادنا (موسوعة الشهيد الصدر)، ج ٣، قم: مركز الأبحاث و الدراسات التخصصية للشهيد الصدر، ١٤٢٤ق.
٢١. طباطبايى بروجردى، سيدحسين، جامع أحاديث الشيعة فى احكام الشريعة، ج ٩، قم: المهر، ١٤٢٢ق.
٢٢. طباطبايى، سيدمحمدحسين، الميزان فى تفسير القرآن، ج ٩ و ١٥، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ج ٢، ١٤١٧ق.

۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه المیزان، ج ۱۵ و ۹، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۴. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، مشهد مقدس: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۲۵. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين و مطلع النیرین، ج ۳، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ج ۲، ۱۴۰۸ق.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ج ۲ و ۱۰، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ق.
۲۸. عنایه، غازی، الزکاة و الضریبة دراسة مقارنة، بیروت: دار احیاء العلوم، ۱۴۱۵ق.
۲۹. فراهانی فرد، سعید، نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان، ج ۲، ۱۳۸۷.
۳۰. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ج ۲، قم: منشورات دارالرضی، بی تا.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۱، ۲، ۳ و ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۳۲. مازندرانی، محمدهادی بن محمدصالح، شرح فروع الکافی، ج ۳، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹ق.
۳۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تصحیح سیدابراهیم میانجی و هم کاران، ج ۱۵، ۲۷ و ۹۳، بیروت: مؤسسة الوفاء، ج ۲، ۱۴۰۳ق.
۳۴. مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۳، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور، ج ۲، ۱۴۰۶ق.
۳۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۱۵، بیروت: داراحیاء التراث العربی، الطبعة السابعة، ۱۳۶۲.
۳۶. نوری، میرزاحسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷ و ۱۱، بیروت: مؤسسه آل البيت :، ۱۴۰۸ق.
۳۷. واسطی زبیدی، محب الدین سیدمحمدمرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۶، بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.

38. ASHRAF TOOR, IMRAN and ABUNASAR, "ZAKAT AS A SOCIAL SAFETY NET: Exploring the Impact on Household Welfare in Pakistan", **Pakistan Economic and Social Review**, Department of Economics, University of the Punjab, Vol. 42, No. 1/2, pp. 87-102, 2004.